

نگاهی به "قاعده ی اقدام" از منظر فقه و قانون

فاطمه عرب احمدی^۱، زهرا فهرستی^۲

^۱ دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، باشگاه پژوهشگران جوان arabahmadi@gmail.com

^۲ استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران

چکیده

قواعد فقهی شالوده ی فقه و حقوق اسلامی را تشکیل می دهند. یکی از قواعدی که در حقوق خصوصی بالاخص در بخش مسئولیتها می تواند راهگشا و موثر باشد، قاعده اقدام است. تعهدی که مفاد ضمان است بیانگر یک رابطه حقوقی بین دو شخص بوده که متعهد له حق دارد متعهد را به پرداخت مال و یا انجام فعل یا ترک متعهد فیه وادار نماید. از طرفی در برابر موجبات ضمان عواملی ساقط کننده ضمان بوده که می توان به قاعده اقدام اشاره نمود. این قاعده را از موارد معافیت و عدم تعلق مسئولیت مدنی نیز می دانند.

متن حاضر می کوشد ضمن پرداختن به ابعاد و جایگاه قاعده ی مزبور در گفتمان فقه اسلامی، با رویکردی کاربردی به بررسی و واکاوی برخی از مصادیق امروزی این قاعده بپردازد و با استناد به آن بسیاری از مسائل حقوقی جامعه ی امروزی مانند موارد عدم تعهد بیمه گر، جرائم مربوط به عدم تادیه مالیات و را بیان نماید.

کلمات کلیدی: قواعد فقه، قاعده اقدام، ضمان، مسئولیت

معنای قاعده «اقدام» این است که اگر کسی با علم و قصد و رضایت، ضرر یا ضمانی را بپذیرد یا آنکه وارد تعهدی شود که مسئولیت آور است، هیچ کس ضامن او نخواهد بود. محکم ترین دلیل قاعده «اقدام» ادله عقلی است. برخی «اقدام» را قاعده نمی دانند بلکه آن را " نظریه عام فقهی " دانسته اند. این قاعده، از طریق متزلزل ساختن مبانی ضمان همچون احترام مال مسلمان، و قاعده لا ضرر، موجب انتفاء رابطه سببیت میان فعل زیانبار و خسارت وارده می شود، و به همین دلیل است که با توجه به این قاعده، مسئولیت مدنی از عامل زیان برداشته می شود و او در قبال خسارتی که وارد نموده ضمانی ندارد. گرچه این قاعده در مطالعات فقهی و حقوقی سابقه ای دیرینه دارد اما همواره در قالب مصادیق محدود و شخصی بالخص در مسائل مالی مورد مطالعه قرار گرفته است.

نوشتار حاضر بعد از ارائه ی اطلاعات کلی درباره ی این قاعده و بررسی ارتباط آن با سایر قواعد فقهی با نگاهی نو و کاربردی علاوه بر گسترش آن بر صدمات جانی موارد جدیدی که معضلات حقوقی جامعه معاصر را می توان با این قاعده توجیه حقوقی کرد را بررسی کرده است و جان تازه ای را به روح آن دمیده است.

۱- آشنایی با قاعده اقدام

در فرهنگ معین اقدام را چنین معنا کرده اند: کار پیش گرفتن، دست به کار شدن، پیش رفتن در کاری، پاپیش گذاشتن در امری، دلیری، اقدامات. [۱]

در اصطلاح فقهی: اقدام قاعده ای فقهی - حقوقی است که مفاد آن بیان می دارد: هر کس به ضرر خود نسبت به مال خود اقدامی کند، در مورد اقدام وی کسی به نفع او ضمان قهری یا مسئولیت مدنی ندارد. [۲]

از منظری دیگر اقدام را به اقدام به زیان و اقدام به ضمان طبقه بندی کرد.

اقدام به زیان به معنای آنست که هر گاه شخصی با توجه و آگاهی عملی را انجام دهد که موجب ورود زیان توسط دیگران به او گردد، وارد کننده زیان، که شخص دیگری است مسئول خسارت نخواهد بود. فقها عدم

مسئولیت وارد کننده زیان رامستند به "اقدام" دانسته اند. بدین معنا که شخص با اقدام خود موجب از بین رفتن مالش شده است. در واقع "اقدام" در این معنا به عنوان یا مثابه ی مانعی برای اجرای قواعد ضمان قهری از جمله قاعده "احترام" عمل می کند چرا که قاعده احترام، برای حمایت شرع از صاحبان اموال است و بی تردید زمانی که صاحب مال خودش حرمت مال خویش را ضایع سازد، موجب حمایت شرع قرار نخواهد گرفت. [۳]

اما برای روشن ساختن اقدام به ضمان مقدمتا لازم است به ماهیت عقود معاوضی توجه داشت که در همه ی انواع آن، شخص گیرنده ملتزم می شود در مقابل نفعی که عایدش میگردد عوضی بپردازد. مستند فقهی ضمان "اقدام بر ضمان" است. بدین معنا که شخص گیرنده در هنگام تحویل مال قصد نداشته آن را مجاناً تحویل بگیرد بلکه در قبال پرداخت عوض اراده تسلیم کرده و اراده اش بر این بوده که مال در ضمان او باشد این اراده را اقدام بر "ضمان" می گوئیم. [۴]

البته در فقه اسلامی دیدگاه ها و نظرات مختلف دیگری در این باره است که فقط به ذکر آن بسنده می کنیم.

۱- اقدام نمی تواند مستند ضمان باشد فقهایمانند شیخ انصاری، آخوند خراسانی، حاح آقا رضا همدانی و امام خمینی (ره) بر این نظرند.

۲- اقدام دلیل مستقل بر ضمان است. شهید ثانی، صاحب جواهر، علامه نایینی و سید الاعلی سبزواری بر این نظرند.

۳- اقدام بر ضمان خود دلیل بر ضمان نیست، ولی موجب رفع مانع است. بدین معنا که اقدام به تنهایی علت تامه ضمان نیست تا ضمان دائر مدار آن باشد، بلکه متمم سبب است بدین نحو که استیلا (وضع ید) بر مال غیر موجب ضمان است، مگر اینکه دو عنصر ید امانی موجب عدم ضمان شود. محقق داماد بر این نظر است. [۵]

۱-۲ چگونگی رفع مسئولیت مدنی طبق قاعده اقدام:

برای تحقق مسئولیت مدنی وجود سه رکن لازم و ضروری است که عبارتند از:

(۱) وجود ضرر

(۲) ارتکاب فعل زیانبار

(۳) وجود رابطه سببیت میان فعل شخص و ضرری که وارد شده است.

این سه رکن در حقیقت پایه های تشکیل دهنده مسئولیت مدنی به شمار می آیند به گونه ای که اگر یکی از این ارکان وجود نداشته باشد، مسئولیت مدنی نیز محقق نخواهد شد.

در مواردی که خود شخص اقدام به ضرر خویش می‌کند، یا حرمت مالش را نادیده می‌گیرد، دو رکن از ارکان مسئولیت که وجود ضرر، و فعل زیانبار باشد، تحقق یافته‌اند، اما رکن سوم که رابطه سببیت باشد، منتفی است چرا که در چنین مواردی نمی‌توان ضرر وارده را به عامل زیان نسبت داد. به همین دلیل است که هرگاه شخصی با آگاهی به غبن فاحش، اقدام به معامله غبنی نماید نه حق خیار فسخ دارد و نه می‌تواند مطالبه خسارت نماید زیرا خودش به زیان خویش اقدام کرده است. و یا در صورتی که فردی با علم و آگاهی، مال خود را در اختیار مجنونی بگذارد و او آن را تلف کند، ضمان بر عهده مجنون نخواهد بود، زیرا صاحب مال با اقدام خویش، مالش را در معرض تلف قرار داده است. [۶]

۲- مدارک و مستندات قاعده

۲-۱ روایات:

الف- روایت "لا یحل مال امری مسلم الا بطیب نفسه" سبب ضمان است. زیرا دلیل بر احترام مال مسلم است ولی به واسطه نفی آن از طرف مالک ضمان ساقط و منتفی می‌گردد. طیب نفس و رضایت در تصرف غیر را بر مال خود بلا عوض می‌داند، پس وجهی بر ضمان نیست. [۷] این خبر از سماعه ابن مهران از امام جعفر صادق (ع) نقل شده است که از پیامبر (ص) بدین مضمون نقل کرده‌اند: چنانچه در نزد او امانتی باشد باید آن را به صاحبش بر گرداند؛ زیرا جان و مال مسلمان بر کسی حلال نمی‌باشد و تصرف در او جایز نیست، مگر اینکه رضایت داشته باشد. در این صورت می‌توان از لا یحل اراده حکم تکلیفی و وضعی نمود. این روایت صحیح است و تمام شرایط حجیت را دارد. [۸]

ب- روایتی که دلالت بر جواز اباحه و تبرع به اعمال و اموال بدون غرامت بر متبرع و قاعده لا ضرر و لا ضرار مبنی بر اینکه پیامبر (ص) امر فرمودند: به قلع نخله (درخت خرما) بدون ضمان قافلعه‌ها و ارم بها الیه، از این جهت که صاحبش با اقدام احترام مال خود را ساقط کرده و اقدام بر ضرر خویش نموده است، پس وجهی از ضمان نیست. مضافاً اینکه اصحاب بر این مطلب اجماع کرده‌اند. [۹]

۲-۲ بنای عقلا

فردی که بالغ و رشید باشد و با علم و اراده علیه خود در مسائل مالی اقدامی نماید که موجب ورود زیان بر مال خود را فراهم کند. در واقع "اقدام مجانی" بر ضرر خود کرده و احترام مال خود را از حیث ارزش ساقط نموده است. عقلا بما هم عقلا با قطع نظر از عوارض خارجی هیچ‌گونه مسئولیتی از برای شخصی که این عمل را انجام

داده است، قائل نیستند و قهرا شرع هم به مقتضای قاعده ملازمه (کل ما حکم به العقل حکم به الشرع) مسئولیتی نمی بیند. از این رو به طور صریح قاعده اقدام از موارد معافیت و عدم تعلق مسئولیت مدنی محسوب می گردد. [۱۰]

۲-۳ اجماع

به طور مسلم فقهای شیعه بلکه کل مسلمین در مواردی که فرد اقدام بر ضرر خویش می کند، قائل به ضمان نیستند و از ضمان قهری و مسئولیت مدنی معاف می دارند. البته در اینجا اجماع مدعی اجماع اصولی نیست و از نوع اجماع مدرکی است و لذا از اعتبار حجیت برخوردار نیست. مضافا آنچه بیان گردیده صرفا مساله عقلانی است و مجالی برای تمسک به اجماع و تعبد شرعی به این مساله عقلایی باقی نمی ماند. شاید بتوان نتیجه گرفت که برای این قاعده دو مدرک روایت و بنای عقلا کافی می باشد. [۱۱]

۳- نسبت قاعده اقدام با قواعد دیگر

گاهی اوقات شرایطی تحقق می یابد که این قاعده در مقام اصطکاک با قواعد دیگری قرار می گیرد در این موارد لازم است تا تعارض وارده حل شود. فقها در کتابهای خود این موارد را مورد بررسی قرار داده و برای نظر خویش دلایلی ارائه می کنند و گاهی یک قاعده در قلمرو قاعده دیگر بسیار نزدیک می شود که لازم است برای بهتر آندو، نقاط اشتراک و افتراق آنها بیان شود.

۳-۱ نسبت قاعده اقدام و قاعده تسلیط

قاعده اقدام حاکم بر قاعده تسلیط است. زیرا موضوع قاعده تسلیط چه در عقد سلبی یا ایجابی رضایت مالک است که توسط قاعده اقدام منتفی می گردد و مالک با اقدام خود، دخالت رضایت خود را در تصرف نسبت به مال خود، از بین می برد و نسبت خود و دیگران را را در برابر مال خویش یکسان می کند و با تسلیط دیگران بر مال خود در مواردی چون اعراض، مالش را در حکم مباحات اولیه قرار می دهد. [۱۲]

۳-۲ نسبت قاعده اقدام با قاعده " علی الید "

عده ای از فقها بر این عقیده اند که "موضوع ضمان" مرکب از " ید " و "عدم اقدام مالک بر مجانیت" می باشد که اصل ید را با وجدان و عدم اقدام را با استصحاب می توان احراز کرد. همچنین آنها بین قاعده اقدام و ضمان، از

نسب اربعه، عموم و خصوص من وجه را قائل شده اند که دو ماده افتراق و یک ماده اجتماع دارد. پس در یک مورد هم اقدام هست هم ضمان و آن در جایی است که "اقدام به عوض مجانی" نموده است، و دو مورد دیگر اقدام هست ولی ضمان نیست بنابر این اقدام تبرعی و مجانی جلوی ضمان را می گیرد- یا ضمان هست ولی اقدام نیست مثلاً از جهت اتلاف یا اسباب دیگر مو جب ضمان گردیده است. نظر شیخ انصاری در این مورد این است که می فرماید: قاعده اقدام دلیل مستقلى نیست بلکه قاعده اقدام رفع مانع از قاعده "وعلى الید ما اخذت حتى تودیه" می کند و در اقدام عملی مجانا و تبرعا این قاعده جاری نمی شود و جلوی قاعده را می گیرد. بدین صورت که وقتی فردی "اقدام بر نحو غیر مجانیت" می کند، می گوئیم: به مقتضای قاعده "على الید" چون مال در نزد او بود و تبرعا هم نبود در صورت تلف ضامن است که مثل یا قیمت را بدهد ایشان با این بیان می خواهد بفرماید که "قاعده اقدام" منقح موضوع قاعده "وعلى الید" می باشد. پس هر دو قاعده اقدام و على الید دلیل مستقلى بر ضمان هستند و اقدام به نحو مجانیت نیز دلیل مستقل برای عدم ضمان و بالاخره اقدام مخصص قاعده على الید است بدین صورت که چنین اقدامی موجب سقوط ضمان و موجب معافیت فرد از ضمان قهری می شود ولی عکس قاعده موجب ضمان می شود. [۱۳]

۳-۳ رابطه قاعده اقدام و ابراء

ابراء لازم است و شخص دائن یا صاحب حق پس از ابراء دیگر حق رجوع ندارد و در این جهت مانند اقرار علیه خود می باشد که انکار پس از آن مسموع نیست. با ابراء حقوقی که قابل اسقاط هست میتوان اسقاط نمود مانند دین و حق مرور و حق قصاص و حق شفعه ولی حقوقی که قابل اسقاط نیستند مانند حق رجوع در هبه و حق طلاق برای شوهر با ابراء ساقط نمی شوند. ابراء اسقاط ذمه است؛ اعم از اینکه دین باشد یا حق و دین هم ممکن است نقدینه باشد یا جنس و کالا و حق نیز گاه متعلق به مال است؛ مانند حق شفعه و گاه متعلق به عمل مانند حق قصاص. ابراء در حقیقت نوعی اقدام و از مصداق دیق قاعده اقدام است. چنانچه ظاهر کلام بسیاری از فقها آن است که مالک وقتی به ضرر خود اقدام می کند، احترام مال و سلطه مالکانه خود را ساقط می کند و ضمانی بر عهده متصرف یا متلف تعلق نمی گیرد. بنابر این باید گفت مفاد ابراء رفع و اسقاط حق است و مقتضای اقدام دفع و ازاله موجب ضمان می باشد. [۱۴]

۳-۴ رابطه قاعده اقدام با قاعده ی تحذیر

قاعده «تحذیر» برگرفته از حدیث «قد عذر من حذر» است. این روایت منسوب به امام صادق (علیه السلام) است که ایشان آن را از حضرت علی (علیه السلام) نقل کرده اند، بر اساس قاعده مذکور، اگر کسی پیش از اقدام به

کاری که احتمال دارد از رهگذر اعمال آن، خطری متوجه دیگری گردد، هشدار دهد؛ با وجود این، مخاطب یا شنونده به هشدار وی بی توجهی کند و ترتیب اثر ندهد و خود را در معرض خطر قرار دهد و در نتیجه فعل هشدار دهنده خسارتی به هشدارشونده وارد آید، هشداردهنده مسئولیتی نخواهد داشت [۱۵] بنابراین، اساس این قاعده در مواردی که عدم توجه به آن موجب ضمان و مسئولیت مدنی یا کیفری است، می تواند رافع مسئولیت باشد و ضمان را از ذمه مکلفان و اشخاص حقیقی و حقوقی بردارد. برای مثال، چاله هایی که توسط کارگران شهرداری برای ارائه خدمات شهری حفر می شود و علایم هشداردهنده لازم در محل های مناسب نصب می گردد، می تواند مصداقی از این قاعده باشد. مسقط ضمان بودن قلمروی مشترک این قاعده با قاعده اقدام می باشد.

۳-۵ رابطه قاعده اقدام با قاعده استیمان

قاعده استیمان که مبتنی بر این مضمون است که "الامین لایضمن" مانند کسی که بدون ضمانتی امانتی را پذیرفته و یا صاحب مال از گرفتن مال خود از مستودع خودداری می کند و نیز عامل مضاربه و وکیل و مستاجر که در این صورت، اگر مال تلف گردد تحت پوشش قاعده اقدام قرار می گیرد و مبتنی بر اقدام شخص علیه خودش بوده و موجب اسقاط ضمان می گردد. در واقع در عدم ضمان این دو قاعده یک هدف را دنبال می کنند. [۱۶]

۴-۴ مصادیق قاعده اقدام

۴-۱ موارد استناد فقها به قاعده اقدام

در این بخش برخی از مواردی که فقها به این قاعده استناد کرده و حکم به عدم ضمان و یا احیاناً به عدم ثبوت مسئولیت کیفری مقدم نموده اند، بیان می شود.

«۱- زمانی که خریدار به فضولی بودن معامله عالم باشد. (بیع فضولی)

۲- اقدام خریدار با علم به معیوب بودن مبیع مسقط ضمان بایع و حق الخیار مشتری است.

۳- ارتداد زوجه پیش از دخول از دیگر مصادیق است چه ارتداد اقدام بر ابطال مهر و موجب اسقاط مهر است.

۴- اسلام آوردن زن کافر موجب سقوط مهر می باشد، در صورتی که پیش از گذشتن عده شوهرش مسلمان نشود.

۵- ناشزه شدن زن که در واقع اقدام بر اسقاط نفقه می باشد.

۶- اعراض از اموال که اگر آن را دیگری تملک نماید و تلف گردد؛ به لحاظ اقدام ، مالکش ضامن نمی باشد.

۷- اقدام شخص بر ضرر مال خود یا جان و اعضا و جوارح خود با وجود هشدار و تحذیر و رسیدن هشدار به وی و امکان فرار

۸- در غضب ، عاریه، ادای دین، ودیعه، مضاربه نیز قاعده اقدام جاری می گردد.» [۱۷]

۴-۲ موارد استناد قانونگذار به قاعده اقدام

« ۱- ماده ۲۶۳ قانون مدنی: "هر گاه مالک معامله را اجازه نکند و مشتری هم بر فضولی بودن آن جاهل باشد، حق دارد که برای ثمن و کلیه غرامات به بایع فضولی رجوع کند و در صورت عالم بودن فقط حق رجوع برای ثمن را خواهد داشت." در این ماده آنچه مهم و مربوط به قاعده اقدام است قسمت اخیر ماده است.

۲- ماده ۱۷۸ قانون مدنی: "مالی که در دریا غرق شده و مالک از آن اعراض کرده است، مال کسی است که آن را بیرون بیاورد." بنابر این هنگامی که مالک اعراض کند و بدین وسیله رابطه خود را با آن مال قطع کند، در اینجا چون مالک خودش حرمت مالش را از بین برده مانند اقدام است.

۳- ماده ۲۶۷ قانون مدنی: "ایفای دین از جانب غیرمدیون هم جایز است اگرچه از طرف مدیون اجازه نداشته باشد ولیکن کسی که دین دیگری را ادا می کند اگر با اذن باشد، حق مراجعه به او را دارد و الا حق رجوع ندارد." پس در صورتی که کسی با وجود این تذکر و هشدار قانون، بدون اجازه و کسب اذن از مدیون، دین او را ادا کند و مال خود را به عنوان ایفای تعهد مدیون به داین بدهد، خودش حرمت مال خود را زائل نموده است و همین اقدام باعث می شود که شخص ثالث نتواند در مقام تدارک، به داین و مدیون مراجعه کند.

۴- ماده ۴۱۸ قانون مدنی: "اگر مغبون در حین معامله عالم به قیمت عادلانه بوده است، نیاز به فسخ نخواهد داشت." این ماده نیز یکی از مصادیق قاعده اقدام را بیان می کند، زیرا شخص بر ضرر خودش اقدام نموده و طبق مفاد قاعده اقدام ضرر مغبون قابل جبران نیست.

۵- ماده ۷۱۴ قانون مدنی: "اگر ضامن زیادتر از دین به داین بدهد، حق رجوع به زیاده ندارد مگر در صورتی که به اذن مضمون عه داده باشد." بنابر این در صورت عدم اذن و اجازه چون خود ضامن در این کار نقش اصلی را داشته است و در نتیجه خود بر ضرر خویش اقدام کرده و به همین علت مطابق قاعده اقدام قابل جبران و متدارک نیست.

۶- ماده ۹۸۹ قانون مدنی: "هر تبعه ایرانی که بدون رعایت مقررات قانونی بعد از تاریخ ۱۲۸۰ شمسی تابعیت خارجی تحصیل کرده باشد، تابعیت خارجی او "کان لم یکن" بوده و تبعه ایران شناخته می شود ولی در عین حال کلیه اموال غیر منقول او با نظارت مدعی العموم محل به فروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش قیمت آن به او داده خواهد شد و به علاوه از اشتغال به وزارت و معاونت وزارت و عضویت مجالس مقننه و انجمنهای ایالتی و ولایتی و بلدی و هر گونه مشاغل دولتی محروم خواهد بود." پس همان طور که در ماده فوق ملاحظه می شود، اعمال و اقدامات صاحب مال باعث می شود که آن اموال حرمت خود را نسبتاً از دست بدهد و شخص با اقدامات و اعمال خود حرمت مال خود را از بین برده است، و همچنین با اقدام خود باعث زایل شدن بخشی از حقوق خود شده است پس ضرر مقدم فیه را دیگران البته نمی توانند جبران کنند. این همان قاعده اقدام است.

۷- ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی: "هر گاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند، مستحق نفقه نخواهد بود." طبق این ماده یکی از شرایط تعلق نفقه به زوجه تمکین است، حال اقدام وی باعث می شود که نفقه به وی تعلق نگیرد. این امر یکی از مصادیق قاعده اقدام است اینجا زن خود به ضرر خویش اقدام نموده و ضرر خود کرده قابل جبران نیست.

۸- ماده ۱۲۱۵ قانون مدنی: "هر کس مالی را به تصرف صغیر غیر ممیزو یا مجنون بدهد صغیر یا آن مجنون مسئول ناقص یا تلف شدن آن مال نخواهد بود." قاعده اتلاف ایجاب می کند که هر کس که مال دیگری را تلف کرد، باید آنرا جبران کند. در اینجا چون صاحب مال با وقوف بر مراتب امر، اموالش را در اختیار محجوران مزبور قرار داده و خودش احترام مال خود را از بین برده است و طبق قاعده اقدام به ضرر خویش اقدام کرده است پس قانونگذار از وی حمایت نمی کند.

۹- ماده ۱۳۱ قانون مدنی: "اگر شاخه درخت کسی داخل در فضای خانه یا زمین همسایه شود باید از آنجا عطف کند و اگر نکرد همسایه میتواند آن را عطف کند و اگر نشد از حد خانه خود قطع کند و همچنین است حکم ریشه های درخت که داخل ملک غیر می شود." این ماده را از این جهت ذکر کردیم که ترک فعل نیز می تواند مشمول قاعده اقدام قرار گیرد. هیچ کس نمی تواند در حالت و وضعیت عادی کاری را نسبت به درختان همسایه انجام دهد اما در اینجا برای جلوگیری از ضرر چنین اجازه ای داده شده است. آنچه این مجوز را ایجاب می کند ترک فعل صاحب درخت است زیرا اگر خود این کار را می کرد همسایه دیگر چنین حقی نداشت. پس این عمل نیز تحت پوشش قاعده اقدام قرار می گیرد.

۱۰- ماده ۱۰۸۶ قانون مدنی: "اگر زوجه قبل از اخذ مهر، به اختیار خود به ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد، قیام نماید، دیگر نمی تواند از حکم ماده قبل که مربوط به حق حبس است استفاده کند اما مع ذلک حقی که برای مطالبه مهر دارد، ساقط نخواهد شد." علت ذکر این ماده این است که نشان دهیم قاعده اقدام، شامل حقوق نیز می شود و محدود به اموال نمی باشد. یکی از حقوق قانونی و شرعی زن حق حبس است اما گاهی اوقات زوجه با اقدام خود باعث سقوط و از بین رفتن این حق می شود. پس قاعده اقدام در حقوق نیز در کنار اموال جاری می گردد و از مصادیق این قاعده می باشد.» [۱۸]

۴-۳ نمونه هایی از مصادیق قاعده اقدام در مسائل روز

۴-۳-۱ گارانتی یا ضمانتنامه

گارانتی (Guarantee) یا ضمانت نامه در واقع قراردادی یا تعهدی است که سازنده کالا متعهد می گردد چنانچه آن کالا در مدت زمان معین که در ضمانت نامه (گارانتی) نیز قید گردیده دچار نقص یا ایرادی گردد بدون اخذ وجهی آنرا تعمیر کند (بدون گرفتن اجرت تعمیر و هزینه قطعات) و در صورتی که ایراد وارده اساسی باشد با دستگاه نو تعویض نماید. در واقع اصطلاح گارانتی عهدی است میان دو شخص به گونه ای که اگر شرایط خاصی رخ داد این عهد عملی شود. پس اگر اشخاص در استفاده از وسیله مورد نظر بر خلاف توافق ثبت شده اعمالی را انجام دهند تحت پوشش قاعده اقدام قرار می گیرد مبنی بر این که شخص خود باعث از بین رفتن مالش شده است و شرکت سازنده از پرداخت خسارت معاف می گردد.

۴-۳-۲ بیمه نامه (Policy)

بیمه عملی است که بموجب آن یک طرف (بیمه گذار) متعهد پرداخت مبلغی به نام حق بیمه می شود و طرف دیگر بیمه گر با قبول مجموعه خطرهایی طبق موازین آماری پرداخت خسارت را در صورت تحقق خطر بعهده می گیرد. بیمه نامه سندی است که به امضای بیمه گر و بیمه گذار میرسد و تجلی و تظاهر قرارداد بیمه می باشد. انواع بیمه نامه: آتش سوزی، عمر، شخص ثالث، دام، سرقت و ... این مورد نیز مانند مثال قبلی اگر عملی خلاف تعهد صورت گیرد بیمه گذار با توجه به قاعده اقدام می تواند خود را از پرداخت خسارت بری نماید.

۳-۳-۴ جرائم مربوط به عدم تادیه مالیات

اگر شخصی اقدامی علیه خود انجام دهد یعنی به وظایف قانونی خود عمل نکند و بر خلاف مقررات قانونی ترازنامه و حساب و سود و زیان ارائه ندهد و یا دفاتر خود را ارائه ننماید و یا دفاتر خود را طوری تنظیم کند که غیر قابل رسیدگی باشد، این افراد در حقیقت بر علیه خود اقدام کرده در نتیجه مالیات آنها به طور علی الراس رسیدگی می گردد. همچنین بر اساس ماده ۱۰۱ قانون مالیات های مستقیم شخصی که در موعد مقرر اظهارنامه تسلیم ننماید، از معافیت ماده مذکور استفاده نخواهد کرد و موجب افزایش مالیات می شود.

۴-۳-۴ ازدواج زن ایرانی با اتباع بیگانه

هر زن ایرانی می تواند همسر خویش را به اختیار انتخاب و با او ازدواج نماید. حال بر طبق ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی: "ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی در مواردی هم که منع قانونی ندارد موقوف به اجازه مخصوص از طرف دولت است." و ماده ۱۷ قانون ازدواج: "ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی در مواردی هم که منع قانونی ندارد موقوف به اجازه دولت بوده و دولت باید در هر نقطه مرجعی را برای دادن اجازه معین نماید. هر خارجی که بدون اجازه مذکور فوق با زن ایرانی ازدواج نماید به حبس تادیبی از یک سال تا سه سال محکوم خواهد شد." و از طرفی نیز طبق قانون، ازدواج با اتباع بیگانه غیر مجاز ممنوع می باشد.

حال به موجب قوانین تابعیت جمهوری اسلامی ایران در صورت ازدواج با تبعه خارجی تابعیت زوج به زوجه تحمیل می گردد. لذا زوجه از حمایت های قانونی مربوطه محروم شده که ناشی از اقدام علیه خویش می باشد.

۴-۳-۵ بحث و بررسی پیرامون چند سوال

۴-۳-۵-۱ سوال: آیا اجره المثل زن در کارهای خانه را میتوان طبق قاعده اقدام بیان کرد؟

پاسخ: اعمال زن در خانه طبق قاعده ی احترام کار مسلمان قرار دارد مگر اینکه خلافش ثابت گردد و با توجه به شواهد و احوالات خانوادگی ایشان میتواند تقاضای اجرت نماید. پس نمی توان به عنوان اینکه زن خودش موجب از بین بردن حق خویش و اقدام علیه خود نموده است در نظر گرفت؛ بنابراین این تحت پوشش قاعده اقدام قرار نخواهد گرفت و برای اثبات اعمال وی باید در صورت تقاضای طلاق بررسی های لازمه در مراکز قضایی صورت گیرد.

۴-۳-۵-۲ سوال : در حوادث و سوانحی که برای کارگران و صنعتگران در حین انجام شغل اتفاق می افتد چه کسی مسئول شناخته می شود مثلا اگر کارگر یا بنایی از داربست به پایین بیفتد آیا میتوان عمل او را طبق قاعده اقدام بیان کرد و کارفرما را از پرداخت خسارت بری نمود ؟

پاسخ: برخی این طور بیان می کنند که چون کارگر یا بنا خود در حادثه و اضرار خود مباشرت داشته و به ضرر و زیان خود اقدام کرده اند و قاعده ی "اقدام علی ضرره" مانع از مسئولیت غیر می باشد پس خود وی مسئول است و صاحب کار و کارفرما مسئولیتی ندارند. در صورتی که فقها بر این استدلال اشکال گرفته و بیان می کنند که قاعده ی اقدام فقط ناظر به مواردی است که شخص عاقل و محتاط از آن پرهیز می کند و هنگامی که کارگر در حین کار صدمه ای ببیند شامل قاعده اقدام علی ضرره نخواهد بود و صاحب کار و مالک یا منتفع از کار او بنا به قاعده ی تسبیب به ترمیم ضرر و زیان مسئولیت خواهد داشت. بنابراین زمانی کارفرما از پرداخت خسارت معاف خواهد بود که حادثه و ضرر و زیان نتیجه ی تقصیر غیر قابل عفو کارگر باشد. [۱۹]

۴-۳-۵-۳ سوال: مسئولیت تولید و عرضه ی سیگار یا مواد مخدر می تواند در محدوده ی قاعده اقدام قرار گیرد؟

پاسخ: در این مورد باید پذیرفت که شخص با استعمال دخانیات خودش موجب ضرر و زیان به سلامتی خویش را فراهم کرده است و شرکت های مربوطه در مورد مصرف سیگار هشدارهای کافی را بیان کرده اند و با تصویر کشیدن تغییرات ریه و اثرات سوء بر سلامت فرد خود را از پذیرش مسئولیت معاف می دانند در صورتی که این اقدام نمی تواند مکفی برای عدم مسئولیت گردد چنانچه هر جا اعمال این قاعده با نظم عمومی برخورد کند باید مصلحت عمومی و نظم را مقدم داشت. همچنان که نظم عمومی در قرارداد های خصوصی حاکم می باشد. [۲۰]

نتیجه گیری

قاعده اقدام با توجه به مدارک و مستندات متعددی از قبیل روایات ، بنای عقلا و اجماع به اثبات رسیده است. مالک بودن، بالغ بودن، عاقل بودن و عالم و آگاه بودن را از جمله شرایط قاعده ی اقدام برشمرد. گستردگی این قاعده تا جایی در نظر گرفته می شود که خللی در نظم عمومی ایجاد ننماید در غیر اینصورت از قلمروی آن کاسته می شود.

این قاعده با مبانی قواعدی چون علی الید، تسلیط ، ابراء، استیمان و تحذیر در ارتباط می باشد. از طرفی قاعده اقدام، از طریق متزلزل ساختن مبانی ضمان همچون احترام مال مسلمان، و قاعده لا ضرر، موجب انتفاء رابطه سببیت میان فعل زیانبار و خسارت وارده شده ، مسئولیت مدنی را از عامل زیان بر می دارد و او را در قبال خسارتی که وارد نموده مبری از ضمان می کند. بنابراین با توجه به مطالب مذکور قاعده اقدام یک قاعده ی فقهی، حقوقی، از طرفی قاعده اصطیادی و قاعده غیر حاکمه می باشد.

منابع

- ۱] معین، محمد، فرهنگ جیبی معین، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۶، انتشارات زرین
- ۲] موسوی بجنوردی، محمد، قواعد الفقهیه موسسه چاپ و نشر مجد، ج ۱، چاپ چهارم، ۱۳۹۲
- ۳] محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه، ج ۵، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴
- ۴] همان
- ۵] همان
- ۶] زکی، عبدالله، مبانی و شرایط قاعده ی اقدام و در رفع مسئولیت مدنی، انجمن علمی پژوهشی فقهی، ۱۳۹۲
- ۷] مراغی، عبدالفتاح، عناوین الاصول، تبریز، بی ناشر، ۱۳۷۴ ق
- ۸] موسوی بجنوردی، محمد، قواعد الفقهیه موسسه چاپ و نشر مجد، ج ۱، چاپ چهارم، ۱۳۹۲
- ۹] همان
- ۱۰] همان
- ۱۱] همان
- ۱۲] عمید زنجانی، عباسعلی، قواعد فقه، نشر سمت، ۱۳۹۱
- ۱۳] موسوی بجنوردی، محمد، قواعد الفقهیه موسسه چاپ و نشر مجد، ج ۱، چاپ چهارم، ۱۳۹۲
- ۱۴] عمید زنجانی، عباسعلی، قواعد فقه، نشر سمت، ۱۳۹۱
- ۱۵] محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه، ج ۵، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴
- ۱۶] عمید زنجانی، عباسعلی، قواعد فقه، نشر سمت، ۱۳۹۱
- ۱۷] موسوی بجنوردی، محمد، قواعد الفقهیه موسسه چاپ و نشر مجد، ج ۱، چاپ چهارم، ۱۳۹۲
- ۱۸] عمید زنجانی، عباسعلی، قواعد فقه، نشر سمت، ۱۳۹۱
- ۱۹] موسی. جوان، مبانی حقوق، چهار جلد، تهران، ۱۳۲۸

[۲۰] کاتوزیان، ناصر، فصلنامه ی حقوق و علوم سیاسی، دوره ی ۳۷، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۶